



دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

غلامرضا مصباحی

- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ا - تبیین نقاط مهم مورد اختلاف.
- ب - تشریح ریشه‌های اختلاف، که  
جمهوری اسلامی ایران آیا فقهی است یا کارشناسی.
- ج - علل تشدید اختلاف.
- د - راه حل کاهش اختلاف نظرها.
- ه - دیدگاه‌های امام خمینی - قدس سره - درباره مواضع اختلاف جناحها.

## أ - تبیین نقاط مهم مورد اختلاف

در اینکه دو نوع تفکر در مورد مسائل اقتصادی در جامعه ما وجود دارد، جای تردید نیست؛ مهم این است که نقاط اساسی این اختلاف مواضع، روشن گردد.

\* ۱ - بزرگ مالکی در اراضی، صنایع، تجارت، خدمات و...

یکی از مسائل اساسی مورد اختلاف، قبول یا رد عمده مالکی در کشاورزی،

صنعت، تجارت و... است.

عده ای بر این عقیده اند که مالکیت بزرگ بر اراضی و صنایع و سرمایه های بازرگانی و سایر فعالیتهای اقتصادی از نظر اسلام غیر قابل قبول است و باید کاری کرد که مالکیتهای بزرگ در این زمینه ها از بین برود و امکان تشکیل آن نیز از این پس فراهم نشود؛ زیرا مالکیتهای بزرگ زمینه مساعد استثمار اکثریت را فراهم می سازد. علاوه بر این، قطبهای قدرت اقتصادی را پدید می آورد که همواره برای دولتهای حامی مردم، مشکل آفرین هستند و از این گذشته باعث تکاثر ثروت در يك طبقه خاص و افزایش فاصله میان ثروتمندان و نیازمندان می گردد.

جمعی دیگر بر این باورند که مالکیتهای بزرگ در این زمینه ها به خودی خود ممنوع نیست، باید دید این مالکیتها از چه راهی پدید آمده است، از راه مشروع یا از راه غیر مشروع؟ اگر ثابت شود که از راه غیر مشروع به دست آمده باید آن را از بین برد و اگر از راه مشروع پدید آمده، نمی توان متعرض آن شد. البته از طرفی چنین مالکیتهای بزرگ را مطنوب و ایده آل اسلام نمی شمارند، بلکه مرجوحیت و ناپسندی آن را قبول دارند، اما می گویند: ناپسند بودن این گونه مالکیتها از نظر اسلام مسئله ای است، ولی در حد ضرورت از بین بردن یا جلوگیری از پدید آمدن نیست؛ و چنین ضرورتی را نمی توان اثبات کرد. از طرف دیگر سخت می توان باور کرد چنین مالکیتی از راه مشروع و با اداء حقوق واجب مالی پدید آید، اما نمی توان با قاطعیت، عدم مشروعیت آن را نیز اثبات کرد و برای از بین بردن چنین مالکیتی باید نامشروع بودن آن اثبات شود و تردید در مشروعیت آن کافی نیست.

همین گروه، جلوگیری از رشد این گونه مالکیتها را با استفاده از سیاستهای مالی

و سیاستگذاریهای اقتصادی بلامانع می داند، یعنی می توان کاری کرد که از این پس

---

مالکیت افراد بر اراضی، صنایع، سرمایه‌های تجاری و... مبدل به بزرگ‌مالکی نشود، در عین حال که برای آن ضرورت و فوریتی نمی‌شناسد.

همینا نیز معتقدند اگر وجود چنین مالکیت‌های بزرگی به زیان عامه مردم، یا بر خلاف مصالح نظام اسلامی باشد یا موجب مفسده‌ای مهم شود، با اعمال ولایت ولی فقیه و یا با استفاده از عناوین ثانوی، می‌توان اقدام به از بین بردن یا تحدید و کنترل این گونه مالکیتها کرد، اما اعتقاد به این ندارند که همواره چنین مالکیت‌هایی دارای این گونه مفسد باشند.

\* ۲ - جدایی مالکیت از کار مستقیم بر روی زمین، صنعت، معدن، تجارت و...

یکی از موارد مهم اختلاف، این مسئله است که آیا این درست است که عده‌ای با نیروی بازوی خود کار کنند و عده‌ای دیگر با سرمایه خود، و آن عده‌ای که با نیروی بدن خود کار می‌کنند درآمد اندکی به دست آورند و عده‌ای دیگر که با سرمایه خود کار می‌کنند درآمد بیشتری کسب کنند؟

در این مورد نظر گروهی بر این است که چنین چیزی از نظر اسلام بلامانع است. بلکه گرچه مطلوب‌تر این است که همه انسانها انرژی بدن خود را به کار اندازند و به فعالیت اقتصادی بپردازند و نیز این مطلوب‌تر است که سهم کار و نیروی انسانی از درآمد بیشتر و سهم سرمایه کمتر باشد؛ اما این طور نیست که راه کسب درآمد از طریق سرمایه بدون انجام کار مسدود باشد. چنین درآمدی نیز مشروع و مجاز است و تعیین کننده سهم هر یک از کار و سرمایه نیز، نظام بازار است؛ بازار با توجه به عرضه و تقاضای کار و سرمایه، سهم هر یک را تعیین می‌کند.

گروهی دیگر بر این عقیده‌اند باید کاری کرد که همه انسانها به کار و فعالیت اقتصادی مستقیم بپردازند و عده‌ای تن‌پرور و پرخور در جامعه رشد نیابند و باید سهم کار را بر سهم سرمایه، افزایش داد، بلکه اصولاً باید کاری کرد که مالکیت بر منابع اقتصادی و عوامل تولید، جدای از کار و فعالیت فکری، بدنی و مدیریتی در اقتصاد نباشد.

اینان بخصوص در مورد سود سرشار سرمایه بازرگانی و بویژه بازرگانی خارجی، معتقدند چنین سودی از مشروعیت لازم برخوردار نیست؛ در صورتی که این سود متناسب با انجام خدمات بازرگان باشد جایز است و اگر بیش از خدمات ارائه شده باشد مشروع

---

نخواهد بود.

\* ۳ - مدیریت مراکز مهم اقتصادی و واگذاری آن به بخش دولتی، خصوصی یا

تعاونی

درباره مدیریت واحدهای کوچک کشاورزی، صنعتی، معدنی، بازرگانی و خدماتی و... اختلاف نظری بین جناحها وجود ندارد که این واحدها را مدیران و مالکان بخش خصوصی اداره کنند. اختلاف نظر در مورد مدیریت واحدهای بزرگ و مراکز مهم اقتصادی از قبیل کارخانجات عظیم، کشت و صنعتهای بزرگ کشور، شبکه‌های مهم حمل و نقل مسافر و یا کالا اعم از زمینی، هوایی و دریایی و بازرگانی عمده بویژه بازرگانی خارجی است.

عده‌ای بر این باورند که می‌توان مدیریت این واحدها را به بخش خصوصی واگذار کرد. در این صورت انگیزه کافی برای کار، خلاقیت و ابتکار پدید می‌آید و جامعه از آن منتفع می‌شود. البته دولت می‌باید بر کار آنان نظارت داشته باشد و از ایجاد انحراف در تخصیص منابع و نپرداختن به نیازهای عمومی و ضروری جلوگیری کند.

نظر عده‌ای دیگر بر این است که واگذار کردن مدیریت واحدهای مهم اقتصادی به بخش خصوصی از نظر سیاسی و اقتصادی معضل آفرین است. از نظر اقتصادی، قطبهای قدرت خود مختاری به وجود می‌آید که می‌توانند به وضعیت اقتصادی جامعه جهت دهند و درآمد و ثروتی انبوه، در اختیار بگیرند و انحصارات اقتصادی پدید آورند. از نظر سیاسی نیز این قطبهای قدرت اقتصادی، توانایی جهت دادن به تصمیمهای دولت را دارند و هر جا دولت با آنان همراه نشود می‌توانند مشکل تراشی کنند و دولت را با بحران روبرو سازند. پس واگذاری واحدهای مهم اقتصادی به بخش خصوصی نه از نظر سیاسی مصلحت است و نه از نظر اقتصادی. به دنبال این بحث پیشنهاد می‌کنند که مهمترین اهرمهای اقتصادی در دست دولت باشد و آنچه از اختیار دولت بیرون افتاد به شکل تعاونی و مالکیت و مدیریت دسته جمعی اداره شود؛ زیرا وجود تعاونیها از یک جهت تعمیم مالکیت و مدیریت است و از ایجاد قطبهای قدرت جلوگیری می‌کند و از جهت دیگر موجب جلوگیری از عمده شدن دولت در اقتصاد است. در عین حال ایجاد تعاونیها باعث می‌شود افراد بیشتری توانایی سهام شدن و وارد شدن در سرمایه گذاری را پیدا کنند و دولت با کمکهایی که به تعاونیها می‌کند می‌تواند نظارت و کنترل لازم را بر آنها داشته

باشد.

گروه مقابل نسبت به تعاونیها و کارایی و سودمند بودن آنها ابراز تردید کرده و اظهار می‌کند: تجربه تاریخی نشان می‌دهد که تعاونیها با شکست روبرو بوده است؛ از این رو با ایجاد تعاونیها موافق نیست مگر در شکل شرکتهای خصوصی گروهی که یک نحوه مالکیت و مدیریت خصوصی است. و نیز معتقد است وابسته بودن آنها به دولت، دولت را یک مدیر عمده اقتصادی می‌سازد و از کارایی و بالندگی آنها می‌کاهد.

#### ۴ - عدالت اجتماعی و توزیع درآمد

یکی از محورهای بحث بین جناحها، مسئله عدالت اجتماعی است؛ به این معنا که گروهی معتقدند توزیع ثروت در میان افراد جامعه باید هرچه متعادلتر و به هم نزدیکتر باشد، به گونه‌ای که نه فقیر وجود داشته باشد و نه ثروتمند بزرگ؛ زیرا هر دو طرف، منشأ مفاسد فراوان اخلاقی و اجتماعی می‌باشند. باید کاری کرد که فاصله ثروت و درآمد میان اقشار جامعه کاهش یابد، البته برابری کامل در ثروت و درآمد منظور نظر آنان نیست. اینان در تزامم رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی را مقدم می‌شمارند، بلکه می‌گویند اصولاً بدون توزیع معتدلتر ثروت و درآمد، رشد و توسعه اقتصادی پدید نمی‌آید.

گروه مقابل معتقد است:

اولاً - تأکید بر رفع فقر ضروری است، اما از چه راه؟ از راه تقسیم ثروت اغنیا و فقیر ساختن آنان؟ در این صورت، توزیع معتدلتر فقر پدید خواهد آمد؛ بلکه باید از راه گرفتن مالیات متناسب با ثروت و درآمد ثروتمندان و تأمین زندگی نیازمندان، این مشکل را حل کرد.

ثانیاً - تأکید بر کاهش ثروت ثروتمندان غیر ضروری است؛ بگذارید آنان همچنان ثروتمند باشند و از راه قانون و اخلاق از درآمد آنان بگیرید و به نیازمندان بدهید. مبادا کاری کنید که ثروتمندان به سرمایه‌گذاری رغبت نشان ندهند که در این صورت هم فقرا زیان می‌بینند و هم اغنیا. و در صورت تزامم بین عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی، این گروه، توسعه اقتصادی را بر اجرای عدالت اجتماعی مقدم می‌داند با این استدلال که باید رشد و توسعه پدید آید تا چیزی برای تقسیم کردن باشد. البته در اینجا نظریات بینابینی نیز وجود دارد که ترکیبی از توسعه اقتصادی و

---

---

عدالت اجتماعی را مطرح می‌سازد که با هم سازگار باشند.

\* ۵ - میزان اختیارات و مداخله دولت در اقتصاد

محور مهم دیگری که محل بحث بین دو دیدگاه فکری اقتصادی است، اختیارات و مداخله‌های دولت در اقتصاد است. از نظر وضع حد و حدود برای مالکیتها (درآمد و داراییها)، نرخ گذاری بر کالاها و خدمات، فعالیت‌های واسطه‌گری، روابط کارگر و کارفرما، مالک و مستأجر، حدود مالیاتها و...

هر دو گروه معتقدند که ولی امر مسلمین و دولت اسلامی از اختیارات وسیعی برای مداخله در اقتصاد برخوردار است و ولایت مطلقه فقیه به همین معناست که او در صورت وجود مصلحت یا ضرورت می‌تواند محدودیتها و کنترل‌هایی در امور اقتصادی ایجاد کند و هر مداخله‌ای را لازم بداند اعمال نماید.

اما در اینکه این مداخله‌ها و ایجاد محدودیتها اکنون تا چه حد ضروری و لازم است، اختلاف نظر دارند. عده‌ای بر این اعتقادند که این دخالتها، امروزه باید زیاد باشد؛ چون جریان ناسالمی بر اقتصاد کشور حاکم است و این وضعیت به سامان نمی‌رسد مگر با مداخله مقتدرانه و گسترده دولت. اگر این مداخله، وضع حد و حدود و کنترلها نباشد اقتصاد کشور دستخوش هرج و مرج خواهد شد؛ غارتگران، سوء استفاده خواهند کرد، از داخل و خارج به جان مردم و منافع آنها خواهند تاخت و به محرومان رحم نخواهند کرد.

گروهی دیگر بر این باور است که این دخالتها اکنون باید بسیار کم بوده و در حد ضرورت صورت پذیرد و این ضرورت هم بندرت پدید می‌آید و آنچه وضع را بدتر کرده و می‌کند همین دخالت‌های بی‌مورد دولت است. اگر می‌خواهید وضع اقتصادی سامان یابد باید تنگناهای تولید و عرضه کالاها و خدمات را از بین ببرید و موانع و محدودیتها را برطرف کنید. در این صورت امکان سوء استفاده را کاهش داده‌اید و وقتی سرمایه‌داران، امکان کسب درآمد سالم را بیابند، راه‌های کسب درآمدهای ناسالم با آزادی فعالیت‌های سالم اقتصادی از بین می‌رود؛ اتفاقاً دخالت‌های دولت زمینه را برای سوء استفاده آنان فراهم‌تر می‌سازد.

ب - آیا ریشه‌های اختلاف، فقهی است یا کارشناسی؟

می‌توان گفت پاره‌ای از اختلافات ریشه فقهی دارند، مانند اصل قبول عمده مالکی ورد

---

---

آن در اراضی، صنایع و تجارت، میزان اختیارات و مداخله دولت در اقتصاد. اما غالب اختلافات، از ناحیه اظهار نظرهای کارشناسانه است، مثلاً به نظر می‌رسد هر دو یا چند جناح، اصل امکان مالکیت افراد بر اراضی را قبول دارند و می‌پذیرند که از ناحیه شرع به عنوان اولی، حد و حدود کمی برای مالکیت اراضی، کارخانجات و سرمایه‌های بازرگانی تعیین نشده است؛ اما عده‌ای بر این نظرند که با توجه به برخی اهداف اقتصادی اسلام از جمله توزیع عادلانه ثروت، این توزیع باید روی مالکیت مستقر شود و در غیر این صورت از نظر کارشناسی، امکان تحقق واقعی توزیع عادلانه ثروت، وجود نخواهد داشت، یا در شرایطی که در زمان رژیم منحوس شاهنشاهی، توانگران جامعه و وابستگان دستگاه می‌توانسته‌اند از قدرت خود استفاده کرده و اراضی را به نام خود ثبت دهند و یا از اعتبارات بانکی استفاده کرده و کارخانجاتی را احداث کنند یا از امکان تجارت خارجی به نحو نسبتاً انحصار گرایانه‌ای توانسته‌اند استفاده کنند و ثروت سرشاری به هم بزنند، این مالکیتها ریشه مشروعی ندارد.

عده‌ای دیگر بر این باورند که اگر می‌شود عدم مشروعیت منشأ ثروتی را اثبات کرد باید بررسی نموده و اثبات نمود که نامشروع است و در این صورت می‌توان چنین اموالی را از دست آنها گرفت، اما اثبات این مسئله دشوار و بلکه غیر ممکن است و استفاده از شرایط دوران گذشته، لزوماً نشان عدم مشروعیت این ثروتها نیست.

دیگر اینکه عده‌ای بر این اعتقادند که اگر سرمایه‌های جامعه توزیع عادلانه‌تری داشته باشد، هم انسانی‌تر عمل شده و نیازمندان کمتری پدید خواهند آمد - که نیروی خود را به ثمن بخش در اختیار کارفرمایان بگذارند و به سختی ادامه حیات دهند - و هم کارایی افراد بالاتر رفته و رشد و رونق اقتصادی بهتر خواهد شد.

و در برابر، جمعی دیگر بر این نظرند که اگر سرمایه‌ها، در دست عده‌ای کمتر متمرکز باشد امکان سرمایه‌گذاری، - آن هم سرمایه‌گذاری‌های بزرگتر - بیشتر می‌شود و در این صورت هزینه‌ها کاهش یافته و سرعت چرخ تولید بیشتر خواهد شد و رشد و رونقی فزونتر به وجود می‌آید.

در مورد مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی بر اقتصاد نیز غالباً اختلاف نظر، کارشناسی است.

اگر از فقها بپرسید آیا مدیریت خصوصی بر بنگاههای اقتصادی شرعاً ممنوع

---

است؟ خواهید شنید که خیر، اگر بهر سید آیا مدیریت دولتی بر پاره‌ای از بنگاه‌های اقتصادی، خلاف شرع است؟ خواهند گفت: خیر، پس این اختلاف چرا وجود دارد؟ پاسخ این است که مدیریت خصوصی کارآتر، با صرفه‌تر و همراه با آزادی داده شده از ناحیه شرع است. اگر اثبات کنید که این آزادی، مفسد شدیدی را به دنبال دارد که نمی‌توان این مفسد را از بین برد مگر با مدیریت دولتی، با شما در این استدلال، مناقشه عقلی و علمی خواهند داشت نه مناقشه فقهی. بنابراین اظهار نظرهای آنان در این زمینه اظهار نظر کارشناسی و بیان تشخیص مصالح و مفسد است و اینکه مذاق شرع آن است که تا ضرورتی نباشد یا مصلحتی الزامی ایجاب نکرده باشد افراد را در فعالیت‌های اقتصادی آزاد بگذارید و شما باید اثبات کنید که این ضرورت یا این چنین مصلحتی وجود دارد.

اظهار نظر مخالف نیز در صدد است همین مصلحت‌ها یا ضرورتها را اثبات کند نه اینکه بگوید: شرع مقدس آزادی‌های اقتصادی را بکلی نفی کرده است، یا اینکه این آزادیها را در چارچوب‌های بسیار تنگ مطرح ساخته است، بلکه می‌گوید: شرایط حاضر چنین ایجاب می‌کند.

در مورد اینکه آیا تجارت خارجی یا داخلی آزاد باشد یا کنترل شده، نظر عده‌ای از کارشناسان این است که آزادی تجارت خارجی و داخلی مایه رشد و توسعه اقتصادی است و نظر عده‌ای دیگر بر این است که خیر، در شرایطی که امکان سلطه خارجی از راه تجارت خارجی بر بازار داخلی به شدت وجود دارد، آزادی تجارت خارجی موجب نابودی اقتصاد داخلی است نه رشد و شکوفایی آن، و نیز در مورد تجارت داخلی، آزادی آن را مایه تکاثر ثروت ثروتمندان فاجر و فقر عامه می‌شمارند و به هر حال اظهار نظر کارشناسانه است نه اظهار نظر فقهی.

### ج - علل تشدید اختلاف

همان گونه که مطرح شد اختلاف مواضع جناحها در مورد مسائل اقتصادی غالباً جنبه اظهار نظر کارشناسی دارد نه جنبه فقهی و مسلکی، و روشن است که اختلاف نظر کارشناسی را باید به کارشناس ارجاع داد، تشخیص اینکه در شرایط حاضر چه چیزی مصلحت است و چه چیزی مصلحت نیست به عهده کارشناسان است، اما اینجا مشکلی



---

---

وجود دارد و آن این است که عده‌ای معتقدند کارشناسان اقتصادی و اجتماعی درحقیقت کارشناس نیستند؛ اینان در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه فعلی، کار اساسی نکرده‌اند و شناسایی کافی ندارند؛ زیرا غالباً افکار کارشناسان ما در فرهنگهای غیر اسلامی شکل گرفته است، از این رو در فهم مشکلات و ارائه راه حل، سراغ آموخته‌های خود می‌روند نه سراغ مطالعه واقعیتهای جامعه؛ بنابراین به کارشناسی آنان اعتمادی نیست.

دیگر اینکه اینان معتقدند که خود، کارشناس واقعی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی هستند، مشکلات را پیشاپیش شناخته‌اند و بر اساس رهنمودهای اسلام، راه‌حلهای را یافته‌اند. به سخنی دیگر اسلام خود، کارشناسی را انجام داده است و مشکلات را شناخته و راه‌حل را ارائه کرده است، از این رو به کارشناسان دیگر نیازی نیست.

مثلاً اگر گفته شود در روابط مالک و مستأجر، مشکلاتی از قبیل گرانی اجاره مسکن، محل کسب یا اخراج مستأجر - بدون اینکه او بتواند جایی مناسب پیدا کند - وجود دارد و اظهار نظر کارشناسی ایجاب می‌کند که دولت مداخله کند و نرخ تعیین کند تا عامه مردم بدون خانه و مستأجر، با کمبود شدید مسکن تحت فشار نباشند و یا در صورت اضطرار مستأجر، موجر حق اخراج او را نداشته باشد؛ اینان اظهار می‌دارند گرانی و کمبود خانه استیجاری و نیز دشواری یافتن مسکن برای مستأجری که از خانه پیشین بیرون آمده، معلول قوانین نادرستی است که برای تحدید مالک وضع کرده‌اید و مالکان از اجاره دادن خانه خود هراس دارند و ناگزیر شرایط سنگین تری وضع می‌کنند. این قوانین را بردارید و روابط مالک و مستأجر را آزاد بگذارید، در این صورت، عرضه کنندگان بیشتری خواهید یافت و شرایط مسکن استیجاری، متناسب‌تر خواهد شد، گرانیها کاهش می‌یابد، هراسها از بین می‌رود و مشکل حل می‌شود.

عامل مهمتر در تشدید اختلافات، خلط مواضع سیاسی و مباحثات علمی است. اگر در این قبیل و قالها به دقت نظر کنید این عامل تشدید کننده اساسی را مشاهده می‌نمایید تا حدی که گاهی هر دو جناح تقریباً يك سخن را اظهار می‌کنند و موضعی نسبتاً مشترك دارند اما آن را به گونه‌ای طرح می‌کنند که نقاط اختلاف، بزرگ جلوه می‌کند و اختلاف مواضع عمیق می‌نماید. مثلاً همه می‌دانند در شرایط جنگ تحمیلی،

---

کاهش عرضه واقعی کالاها و خدمات - به خاطر تعطیل پاره‌ای از منابع اقتصادی و یا اشتغال آنها به عرضه خدماتی دیگر و نیز به دلیل کاهش واردات - و از سوی دیگر افزایش تقاضا - به دلیل شرایط روانی ناشی از جنگ و ترس از کمبودهای آتی و نیز به دلیل مهاجرت مردم از مناطق جنگ‌زده و از دست رفتن بسیاری از امکانات - امری طبیعی است و این عدم تعادل، منجر به افزایش ناخواسته و ناگهانی قیمت‌ها می‌گردد.

دخالت دولت و کنترل عرضه و تقاضا با عرضه کالاهای ضروری به صورت کوپنی و سهمیه بندی شده، تعادلی موقت و ظاهری در ایجاد عرضه و تقاضا فراهم می‌آورد و تا حدودی مشکل عدم تعادل را حل می‌کند. در اینجا هر دولت خردمند و کارا چنین اقدام شایسته‌ای را خواهد کرد و به عکس شرایط صلح و اتمام جنگ و امکان استفاده مجدد از منابع تعطیل شده یا امکان جابجایی منابع مورد استفاده در اداره جنگ به طرف رفع نیازهای متعارف اقتصادی و رفع موانع عرضه و تعدیل تقاضا، ایجاب می‌کند بتدریج سیستم کوپنی و سهمیه‌بندی حذف گردد.

حال ما در دوران دوازده سال گذشته به این دو سیاست، در دو مقطع به وسیله دو دولت در کشورمان برخورد می‌کنیم، و سیاستهای هر کدام تا حدود زیادی معلول شرایط حاکم بر دوره حکومت آنان بوده است، در عین اینکه تفاوت بینشها و برداشتها از مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز در این تفاوت مواضع، فی الجمله مؤثر بوده است. اما مشاهده می‌کنیم جناحهای مختلف فکری در جامعه ما به دوگانگی شرایط متفاوت دو دولت نظر نمی‌کنند و تمام توجه خود را به دوگانگی سیاستها معطوف می‌دارند و یکدیگر را در دو جناح بشدت متخاصم، مشاهده می‌کنند و از اختلاف مواضع سیاسی بهره گرفته و هر يك عملکرد جناح مقابل را به طور کامل مورد حمله و هجوم قرار می‌دهد.

در اینجا به مسئله مهمتری نیز باید اشاره کنیم و آن این است که «کُلّ حزب بما لَدَیْهِم فرحون»، هر جمعیت و گروهی، همه مواضع خود را حق می‌بیند و همه مواضع گروه مقابل را ناصواب می‌شمارد. از اینجاست که اگر هر گروهی موضعی بگیرد، گروه دیگر آن را آنچنان‌تر توصیف کرده و جلوه می‌دهد و حال آنکه در واقع، مواضع آن گروه آنچنان نیست که اینان جلوه می‌دهند، همین برخورد را جناح مقابل می‌کند و مواضع نسبتاً نزدیک آنان به خود را مواضعی بغایت متفاوت، تبیین می‌کند و به گونه‌ای می‌نماید که آنان راضی نیستند؛ در واقع یکدیگر را متهم به انحراف فکری می‌سازند، متهم به چیزی می‌کنند که

---

---

جناح مقابل به آن معتقد نیست. این تشدید اختلاف، صرفاً ناشی از اختلاف مواضع سیاسی است نه اختلاف واقعی و عمیق.

#### د - راه حل کاهش اختلاف نظرهای اقتصادی

با توجه به تبیین مواضع مهم اختلاف دیدگاهها و با توجه به بیان ریشه‌های اختلاف و علل تشدید مواضع، بخوبی می‌توان به بیان راه کاهش اختلافها پرداخت.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که این اختلافات را شاید نتوان بکلی از میان برد؛ زیرا تفاوت افکار و نظرها و سلیقه‌ها امری کاملاً طبیعی است و وجود آن، مایه رشد و پویایی افکار و حرکت علمی در جامعه خواهد بود و از وجود آن نباید هراس داشت. آنچه ضرورت دارد انجام گیرد تکیه بر مواضع واقعی اختلاف و آن هم در قالب بحثهای علمی و طلبگی است، در این صورت افکار روی هم تأثیر گذارده نتایج ارزشمند و پرشماری به بار خواهند آورد. اما راه حلها:

- \* ۱ - جدا کردن مواضع سیاسی از مباحث علمی؛
- \* ۲ - خارج کردن بحثها از محافل عمومی و عدم تحریک احساسات مردم و وارد کردن آنها به محافل علمی و تخصصی؛
- \* ۳ - برخورد دوستانه و مباحثه‌گونه و حضوری به جای برخورد خصمانه و غوغا سالارانه و غیابی؛

\* ۴ - تکیه بر مواضع مشترک و نقاط اتفاق بیش از تکیه بر مواضع اختلاف. در صورتی که بحث و جدالهای مربوط به مباحث اقتصادی از مناقشات سیاسی تفکیک گردد، بسیاری از اختلاف دیدگاهها، غیر واقعی جلوه می‌کند؛ زیرا در هنگام نزاع و هیاهو هر یک از دو طرف سخن دیگری را نمی‌فهمد و به دیده شک و تردید بلکه به دیده غیر قابل پذیرش به آن می‌نگرد؛ زیرا مواضع طرف مقابل را بد می‌فهمد. نکته دیگر این است که اگر بحثها در محافل عمومی و همگانی - گرچه به صورت علمی - مطرح شود مطالعه کنندگان که سخن را درست درک و هضم نکرده‌اند، برداشتهایی ناصواب خواهند نمود و نتایجی نادرست خواهند گرفت و چنین کاری مفید فایده نخواهد بود و نتیجه‌ای جز تحریک احساسات موافق یا مخالف نخواهد داشت، مگر اینکه با مهارتی انجام گیرد که قابل فهم و درک عمومی باشد و چنین توانایی در هر

گوینده و نویسنده‌ای نیست. اما اگر این مباحثات در محافل علمی و تخصصی انجام گیرد، اهل نظر با اشاره‌ای مطلب را درمی‌یابند و بر اساس اصول منطقی مباحثه، می‌توانند به نقد بکشند و نتایج مفید و پرثمری بر آن مترتب خواهد شد.

نکته دیگر برخورد دوستانه و مباحثه‌گونه و حضوری در مسائل اقتصادی و اجتماعی است. چنین برخوردی، برخورد سالم افکار و اندیشه‌هاست و موجب باروری و شکوفایی فکر و اندیشه می‌گردد، اما کشاکش غایبانه و خصمانه ولو بر اثر اختلاف مواضع سیاسی نباشد در راه حل مشکل، قدمی به پیش نخواهد برد. متهم کردن یکدیگر به انحراف فکری، هرگز مشکل را حل نمی‌کند، بلکه قطعاً بر اختلافات می‌افزاید. و بالأخره در يك مباحثه علمی و تخصصی باید نقاط اتفاق و اشتراك را نیز معین کرد که چارچوبه محل نزاع روشن گردد و نقاط اختلاف نوسان نداشته باشد، در این صورت با تکیه بر مواضع اتفاق می‌توان بسیاری از نقاط اختلاف را از بین برد.

به امید آنکه جناحهای حامی انقلاب اسلامی از صرف انرژی برای حذف یکدیگر دست برداشته و متفقاً نیروها را صرف برخورد با دشمنان واقعی انقلاب اسلامی نمایند.

#### هـ - دیدگاههای امام خمینی - قدس سره - درباره مواضع اختلاف جناحها

\* ا - امام - قدس سره - در مورد اینکه اختلاف مواضع جناحها، عقیدتی است یا سیاسی، اصولی است یا غیر اصولی در پاسخ به نامه حجت الاسلام انصاری می‌فرماید:

«کتابهای فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی... مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم بندی آن، ادرانفسال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی، ... در مسئله معادن زیر زمینی و رو زمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمینه و امکان مختلف ... و ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است...»

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و مواضع گیرها در حریم مسائل مذکور است، تردیدی متوجه انقلاب نیست، اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد،

---

---

موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب، اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم.»<sup>۱</sup>

\* ب - ضرورت برخورد سالم و علمی

امام - رضوان الله تعالی علیه - درباره کیفیت برخورد جناحها با هم می‌فرماید: «خود ما متوجه باشیم که کارهایی انجام دهیم و طریقه‌هایی را انتخاب کنیم که به طور سلامت با هم برخورد کنیم. اگر هم اشکال داریم، مثل اشکال طلبه‌های مدرسه با هم رفتار کنیم. دوستند با هم ... رفیقند، برادرند، سر یک مبحثی داد و قال هم با هم می‌کنند، بعد از این که مباحثه تمام شد، با هم می‌نشینند جای می‌خورند و دوستی می‌کنند، ... در عین حالی که در همه جا باید مناقشه باشد، لیکن مناقشات طلبگی، مناقشات علمی.»<sup>۲</sup>

\* ج - دیدگاه امام - رحمة الله علیه - درباره مالکیت، سرمایه و حدود آن

«یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است - بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند. گرچه بعضی کج‌فهمان بی‌اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسایل سیاسی حاکم در اسلام، در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند و باز هم دست برداشته‌اند که اسلام طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌اند، چهره نورانی اسلام را پوشانده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند و آن را رژیمی چون سرمایه‌داری غرب مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپ‌اولگران غرب به حساب آورند و با اتکال به قول و

.....  
۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۷ و ۴۸ (۶۷/۸/۱۰).

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۹ (۶۳/۵/۱۸).

فعل این نادانان (یا غرضمندان و یا ابلهانه) بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی، با اسلام به معارضه برخاسته‌اند - و نه رژیم‌می مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در برداشته، بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف [است] که اگر به حق به آن عمل شود، چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.

در اینجا نیز یک دسته با کج فهمی‌ها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن، در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعض آیات و یا جملات نهج البلاغه، اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، به پا خاسته و مذهب اشتراکی را تعقیب می‌کنند...»<sup>۳</sup>

#### \* د - احترام به مالکیتها و سرمایه‌های مشروع

«وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال، خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و به مالکیتها و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام بگذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی در صنایع سبک و سنگین برسانند و بولداران مشروع، وصیت می‌کنم که ثروت‌های عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.»<sup>۴</sup>

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱ (وصیت نامه سیاسی الهی امام - قدس سره -).

۴. همان، ص ۲۰۱ (وصیت نامه سیاسی الهی امام - قدس سره -).

• ه - ضرورت تأمین رفاه برای طبقات محروم

«و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی دررنج و زحمت بوده‌اند و چه نیکوست که طبقات تمکن‌دار به طور داوطلب برای زاغه و چهرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد.»<sup>۵</sup>

• و - تأکید بر تأمین حقوق محرومان از راههای مشروع

«کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان، اگر به طور غیر مشروع هم باشد مانع ندارد، که این يك انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی، بلکه به محرومین است که از مال حرام و غصب و با ظلم به دیگران، آنان را مبتلا به آتش جهنم کنند.»<sup>۶</sup>

• ز - دستور شکستن طلسم انحصار تجارت داخل و خارج به افراد متمکن و مرفه

امام - رضوان الله تعالی علیه - در پاسخ نامه رؤسای سه قوه و نخست وزیر در مورد کسب تکلیف برای بازسازی کشور دستوراتی صادر کردند، از جمله بند ۷ این دستورات چنین است:

«استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بها دادن به مؤمنین انقلاب، خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.»<sup>۷</sup>

• ح - ضرورت مشارکت دادن مردم در کارها و واگذاری فعالیتهای اقتصادی به مردم

.....

۵. همان.

۶. همان، ج ۱۹، ص ۶ (پیام امام - قدس سره - به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس، ۶۳/۳/۷).

۷. همان، ج ۲۱، ص ۳۸ و ۳۹ (۶۷/۷/۱۱).

«و از اموری که لازم است عرض کنم، این است که شما می‌دانید و ذکر هم کردید - مکرر - که دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کار انجام بدهد ... يك دولت محدود نمی‌تواند کار بکند، باید جهل میلیون جمعیت را در صحنه نگه دارد و نگهداری به این است که شما بازار را می‌خواهید نگه دارید، بازار را شريك کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید... . کارهایی که از بازار می‌آید، جلوش را نگیرید، یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم نباید سلب بشود... . اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به اینها، اگر مردم را شريك خودتان نکنید، موفق نخواهید شد، یعنی نمی‌شود يك جمعیت کثیری را بدون شرکت خود جمعیت، بدون شرکت، مثل این است که ما بخواهیم کشاورزی را خود دولت بکند، خوب، ... کشاورزی را دولت باید تأیید بکند تا کشاورزها کشاورزی کنند، تجارت هم همین جور است، صنعت هم همین جور است ... این يك مسئله‌ای است که بسیار مهم است در نظر من. من کراراً هم گفتم، آقایان هم وعده دادند ولی نمی‌دانم چقدر عمل شده.»

«بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند. این پشتیبانی نیست، پشتیبانی این است که همکاری کنند، همکاری این است که در تجارت همکاری کنند. شما مجال به آنها بدهید وقتی این مجال را شما دادید، مردم کمک شما هستند و این طور نیست که بازار، مثلاً سر تا ته اش خدای نخواسته يك اشخاصی فاسد [باشند]. در يك بازار، البته پیدا می‌شود يك عده‌ای فاسد، و يك عده‌ای سودجو هم پیدا می‌شود. معلوم است این، اما مردم صحیح و مردم متدین و مردم کاردان زیاد هست در بازار، عامه بازار هم آن طور نیست که خلاقکار باشد... . بنابراین ما باید مجال بدهیم به همه اینها، همان طوری که در کشاورزی شما عمل می‌کنید که پشتیبانی می‌کنید و کشاورزی را آنها می‌کنند...»<sup>۸</sup>

«مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی را که الآن بهوش این ملت هست بردارد... با شرکت اینها شما می‌توانید اداره کنید این کشور را، مردم را در امور شرکت بدهید، در تجارت شرکت بدهید، در همه امور شرکت

.....  
۸. همان، ج ۱۹، ص ۳۵ تا ۳۸ (بیانات امام - قدس سره - در دیدار با رئیس جمهور و هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۶۳/۶/۴).



---

بدهید، مردم را در فرهنگ شرکت بدهید، مدارس که مردم می‌خواهند درست کنند کارشکنی نکنید، البته نظارت لازم است ... دانشگاهها، مردم باید در آن دخالت کنند، مردم خودشان به طور آزاد دانشگاه داشته باشند، منتها دولت نظارت باید بکند.»<sup>۱</sup>

\* ط - تأکید بر توسعه بخش خصوصی و آزادی بخش خصوصی به نفع عامه مردم و

محرومین

«دولت چنانچه کراماً تذکر داده‌ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد... و تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کار کرد، نه چون گذشته تعدادی از خدا بی‌خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیدا کنند.»<sup>۱</sup>

\* ی - ایجاد اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذاری حتی برای فراریان که ضد انقلاب

نیستند

«اگر این طور عمل بشود، هم سرمایه‌هایی که ممکن است نیاورده باشند، وارد می‌شود در بازار و هم در بانکها، و هم مردم کمک کار می‌شوند و مطمئن می‌شوند و هم اشخاصی که خیال می‌کنند که جمهوری اسلامی نمی‌خواهد برای مردم کار کند، می‌فهمند که کار می‌کند و چه می‌کند و هم اشخاصی که در خارج هستند و ضد انقلاب نیستند، لیکن

.....

۱. همان، ج ۲۰، ص ۴ و ۵ (بیانات امام - قدس سره - در دیدار با رؤسای قوای سه‌گانه ... به مناسبت عید سعید فطر، ۶۵/۳/۱۹).

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ (پیام امام - رضوان الله علیه - به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۶۳/۱۱/۲۲).

بیخودی ترسانندشان؛ یعنی تبلیغات خارجی این بیچاره‌ها را ترسانند ... ما باید کاری کنیم که این تبلیغات را خنثی کنیم...»<sup>۱۱</sup>

• ک - پرهیز از بزرگ کردن مالکیت دولتی

«کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارشهای مختلفی می‌رسد و هیئت دولت موظف است این امر را به طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و این امر را جدی تلقی کند...»<sup>۱۲</sup>

«آنهايي که در صدد اينند که برای کشور خدمت بکنند، آنها را دستشان را باز بگذاريد خدمت بکنند و دنبال اين نباشيد که هي هر چيزي را دولتي اش بکنيد، نه، دولتي در يك حدودي است، آن حدودي که معلوم است، قانون هم معين کرده است وليکن مردم را شرکت بدهيد، بازار را شرکت بدهيد، در کارخانه‌ها خيلي نظارت بکنيد به اينکه هيچ اجحافي به کارگرا در آنجا نشود...»<sup>۱۳</sup>

«ليکن اين طور نباشد که خيال کنيد خود دولت مي‌تواند همه کارها را انجام بدهد، مي‌بينيد که نمي‌تواند، اعتراف دارند همه بر اين، دولت اعتراف دارد، همه اعتراف دارند بر اينکه بدون ملت ما نمي‌توانيم.»<sup>۱۴</sup>

• ل - دولت کارهایی را انجام دهد که مردم نمی‌توانند انجام بدهند

«کارهایی که از بازار نمی‌آید و معلوم است که نمی‌تواند بازار انجام بدهد آن کارها را دولت انجام بدهد. کارهایی که هم دولت می‌تواند انجام بدهد و هم مردم می‌توانند انجام

۱۱. همان، ج ۱۹، ص ۳۷ (بیانات امام - رحمه الله عليه - در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت ۶۳/۶/۴).

۱۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸ (از پیام امام به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۶۳/۱۱/۲۲).

۱۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۹ (بیانات امام - رضوان الله عليه - در جمع رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۶۴/۸/۹).

۱۴. همان، ج ۲۰، ص ۵ و ۶ (بیانات امام به مناسبت عید فطر، ۶۵/۳/۱۹).

بدهند، مردم را آزاد بگذارید که آنها بکنند، خودتان هم بکنید جلوی مردم را نگیرید...»<sup>۱۵</sup> -

• م - ضرورت نظارت دولت بر جریان فعالیتهای اقتصادی بدون دولتی کردن کارها

«آزادی مردم نباید سلب بشود، دولت باید نظارت بکند، مثلاً در کالاهایی که می‌خواهند از خارج بیاورند، مردم را آزاد بگذارند. آن قدری را که می‌توانند، هم خود دولت بیاورد، هم مردم، لیکن دولت نظارت کند در اینکه يك کالاهایی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است، آنها را نیاورند؛ این نظارت است. همچو نیست که آزادشان کنید که فردا بازارها پر بشود از آن لوکسها و از آن بساطی که در سابق بود ... فقط يك نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا بشود...»<sup>۱۶</sup>

«آنها [هیئت تشخیص مصلحت] باید نظارت کنند در امور، لیکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه حالا که بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند، لیکن با نظارت دولت که يك وقت خدای نخواستہ دوباره از آن چیزهایی که از خارج می‌آوردند و آن چیزهای فاسدی که می‌آوردند دوباره شروع نکنند. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لیکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود.»<sup>۱۷</sup>



پژوهش‌های مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۵. همان، ج ۱۹، ص ۳۵ (از بیانات امام - قدس سره - در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۶۳/۶/۴).

۱۶. همان.

۱۷. همان، ج ۲۰، ص ۲۵۱ (بیانات امام در جمع رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۶۷/۶/۸).